گزارش خبر
NEWSREPORT
کد خبر: ۴۵۳۳۸۲
سه شنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۰ ۹:۰۲

حکومت مدعی آزادی مارکسیست‌ها کارش به جایی رسیده که "عبدالکریمی" را در دانشگاه تحمل نمی‌کند!

عباس عبدی در روزنامه اعتماد در باره حکم اخراج دکتر بیژن عبدالکریمی از دانشگاه آزاد نوشت:دکتر بیژن عبدالکریمی از نمونه روشنفکرانی است که جامعه ایران نیازمند آنان است. هر کس می‌تواند با او و با نگاهش مخالف یا موافق باشد، ولی بعید است که نسبت به انگیزه‌ها و رفتار او احترام نگذارد. دلسوزی او برای ایران و جامعه و مردم تردیدناپذیر است. رفتار او در تعامل سازنده و همدلانه با همه نحله‌های فکری و حتی حکومت، قابل احترام است.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، او از روشنفکرانی نیست که فرصت‌طلب باشد یا نان به نرخ روز بخورد. هر جا که دعوت می‌شد، می‌رفت ولی حرف خودش را با همان لحن جذاب و دلنشین می‌زد.

چند سال پیش یک موسسه آموزشی وابسته به بیت مقام رهبری که محل آن نیز در همان خیابان آذربایجان بود مرا برای مناظره با یکی از روحانیون مشهور دعوت کرده بود. شنوندگان دانشجویان دکترای آن موسسه بودند. هنگامی که رفتم، دیدم آقای عبدالکریمی در حال سخنرانی است. خیلی صریح و روشن سخن می‌گفت، چه چیزی از این بهتر. نه دعوت را رد می‌کرد و نه اگر می‌آمد خوشایند میزبان سخن می‌گفت.

یک بار دیگر در رمضان سال گذشته از تعدادی افراد از جمله بنده در دفترشان دعوت کردند که بلکه راهی برای تعامل فکری بیشتر با قدرت سیاسی پیدا شود، یک آقایی هم که ظاهرا دانشجوی دکترای ایشان بود و با آن طرف رابطه نزدیک داشت در جلسه حاضر بودند و افطاری هم مهمان آقای عبدالکریمی بودیم و البته و به‌طور طبیعی همان یک جلسه بود و تمام.

جالب اینکه عبدالکریمی به دلیل مواضع مستقلش نسبت به سیاست خارجی حکومت، حتی نزد مخالفان حکومت نیز مساله‌دار تلقی می‌شود. اینها را گفتم تا شناخت بهتری از ایشان به دست دهم و تجربه خودم از ایشان را تقدیم کرده باشم، حتما کسان دیگری تجربیات بهتر و جذاب‌تری دارند. البته فیلم‌های کوتاه از اظهارات و مواضع ایشان در تلویزیون یا در سخنرانی‌ها آن‌قدر در دسترس هست که همه با آن آشنا باشند.

اکنون می‌شنویم که چنین استادی را با عذر بدتر از گناه از دانشگاه آزاد اخراج می‌کنند. اگر یک نظام آموزشی مستقل و معتبر می‌داشتیم، به‌طور قطع عبدالکریمی باید در بهترین دانشگاه تدریس می‌کرد.

به گمانم مشکل اصلی در این اخراج چیز دیگری است. او را به اتهام دفاع از رژیم گذشته اخراج کرده‌اند! این اقدام مرا یاد لطیفه‌ای انداخت. دو نفر دعوا می‌کردند. اولی به دومی گفت که چرا فحش می‌دهد. دومی با ردیف کردن یک‌سری فحش دیگر گفت فلان فلان‌شده من کی فحش دادم. قضیه این است که این اخراج به‌طور دقیق ترویج و تایید چیزی است که از ترس رواج آن‌چیز او را اخراج کرده‌اند. در واقع هنگامی که در فضاهای رسانه‌ای غیررسمی و در کف خیابان و کوچه و بازار گرایش به گذشته‌ای را می‌بینیم که از بسیاری جهات ارزش دفاع ندارد و باید محکوم شود، متوجه می‌شویم، یک علت آن سیاه و سفید کردن گذشته و منع دیگران از اظهارنظر و تایید نقاط مثبت آن است.

این نگاه یک‌سویه موجب می‌شود که نظام آموزشی کشور در طول دبیرستان و دانشگاه در انتقال مفاهیم خود به دانش‌آموز و دانشجو با شکست مواجه شود. زیرا با اولین اندیشه‌ای که مخالف گزاره‌های رسمی است، تمامی آن بنای آموزش‌های داده‌شده فرو می‌ریزد و به نتایج عکس منجر می‌شود. نتیجه این است که مخاطبان حتی حاضر به دیدن ضعف‌های اساسی رژیم گذشته نیز نمی‌شوند.

ایراد نگاه سیاه و سفیدی این است که می‌کوشد خود را سفید مطلق و دیگری را سیاه مطلق نشان دهد، این منطق به لحاظ شکلی ترویج و پذیرفته می‌شود ولی به لحاظ محتوایی به راحتی می‌تواند جای سیاه و سفید عوض و نتیجه معکوس شود. منطق سیاه و سفید ره به جایی ندارد. هیچ فرد و گروه و حکومتی را نمی‌توان نشانه سفیدی یا سیاهی مطلق معرفی کرد. اگر چنین کنیم این منطق دیر یا زود کمانه می‌کند و صاحب آن را مصداق سیاهی معرفی می‌کند. روشنفکر واقعی برای شکستن این منطق هزینه می‌دهد. گمان نکنید با اخراج و قطع منابع مالی و زندگی آنها که اقدامی زشت و غیراخلاقی است می‌توان سیاهی را از تصویر خود پاک کرد اگر سیاه‌تر نشود.اخراج عبدالکریمی در ذهنیت مخاطب و جامعه نتیجه‌ای جز تایید گفتمان مخالفان رادیکال حکومت ندارد. حکومتی که مدعی بود مارکسیست‌ها هم می‌توانند آزاد باشند و حرف بزنند، کارش به جایی رسیده که عبدالکریمی را در دانشگاه تحمل نمی‌کند. آیا منظور از کرسی‌های آزاداندیشی اخراج عبدالکریمی‌ها است؟